



۲۰۲۱/۰۸/۳۰



حامد نوید

آسمان کابل

در آسمان خامش کابل ستاره ها
امشب نظر به سوی چه کس باز میکنند؟
در شهر خفته در غم و اندوه و غصه ها
راز نهان برای کی ابراز میکنند؟
امشب نگاه خسته من با ستارگان
بگشوده پر که ره بکشد زین دیار دور
تا در مسیر خاطره های پُر از امید
از کوچه های خامش کابل کند عبور
آنجا رسد که بر در و دیوار خانه ها
با نقش جان من یادی نهفته است
آنجا که هر قدم چون عطر نسترن
لبخند خاطرات عزیز شگفته است
آنجا که هر زمان از وادی سکوت

در گوشه‌های خاموشی

بس نغمه های گمشده آواز می کنند
در آسمان خامش کابل ستاره ها
امشب نظر بسوی چه کس باز میکنند
تو ای شهاب گمشده بخت در سپهر

بباری ز روی مهر

بر زادگاه خاطره هایم نظر بکن
امشب که ره به جانب خاور نهاده ئی
از کوچه های خامش کابل گذر بکن

کــانجا بــه شــهر مــن

شهریکه بود غرق بهاران نسترن
خفایش های مرگ با بال آهنین
جای کبوتران پرواز میکنند
امشب که ماه بوسه زند بر خرابه ها
برجای بوسه بر رخ گلبرگهای باغ
بینم که سایه ها دیوار مرگ را
در آن دیوار دور در آغوش میکشند
بس شاخه های خم شده بر سینه چمن
آن بار درد را بر دوش می کشند
خاموش شهر و مات من و موج بیصدا
در آسمان کابل من ای ستاره ها
در عالم خیال بینم به چشم خویش
تصویر من فتاده به مرداب خسته ئی
زان سوی کوچه نیز به سویم نظر کند
یک جفت چشم از عقب درب بسته ئی
بینم که از غرور خود وز نفاق خویش
در دام اجنبی عمیری گریستیم
لیکن اگر بی پای خود و اتحاد خویش

بــاری بایســ تیم

دارم یقین که باز ز خاک دیار من
روید نهال عدل و بیالد گل امید
چون غنچه های تازه زند سر ز شاخه ها

در جامه سه ســپید

آن غنچه های شاد

ساز حیات را ز سر آغاز می کنند
هان ای شهاب بخت در آسمان دور
از کوچه خامش شهرم بکن عبور
وی ابر تار ظلمت و دهشت دمی گذار
تا شام تیره بر درد و صبح بر دمد

بگذار آفتاب جهان تاب زندگی
بار دگر به خاک دیارم ز روی مهر
باعرشــــــــــــقــــــــــــســــــــــــرزند



برای مطالب دیگر حامد نوید روی عکس کلیک کنید

